

کتابت و کتیبه نگاری در خوشنویسی اسلامی

جواد مزنگی^۱، سمانه اسماعیل پور^۲

^۱ کارشناس ارشد هنر اسلامی، گرایش هنر و صنایع فلز

^۲ کارشناس ارشد هنر اسلامی، گرایش نگارگری

نویسنده مسئول:

جواد مزنگی

چکیده

کتیبه های خوشنویسی کلمات و جملاتی هستند که با ظرافت و زیبایی در قالب فرم های مختلف و در فضاهای گوناگونی همچون حاشیه ی محراب مساجد و اماکن مذهبی و یا جاهای دیگر به کار می روند. کتیبه هایی از حدود هزاره چهارم قبل از میلاد به صورت سنگ نوشته ها در بین النهرین مشاهده شده است. هم سو با شکل گیری و تکامل هنر خوشنویسی، کتیبه نگاری نیز رشد کرده است. در دوران اسلامی به دو دلیل «اهمیت خوشنویسی» و همچنین «تحریم نقاشی» کتیبه ها از اهمیت بسیاری برخوردار شدند. در ایران کتیبه نویسی در عصر سلجوقی رشد و در عهد صفویه به اوج رسید. این کتیبه ها که بیشتر با خطوط کوفی، ثلث، نستعلیق، طغرا و یا معلی نوشته می شوند، از نظر محتوا و ادبیات معمولاً به سه گروه آیات قرآنی، ادعیه - احادیث و دعاها تقسیم بندی می شوند. کتیبه ها در حاشیه محراب ها به این دلیل پیچیده تر و ناخواناتر نوشته می شوند که برای نمازگزاران در هنگام نماز حواس پرتی ایجاد نکنند. علاوه بر حروف بزرگ (جلی) در کتیبه های اماکن مذهبی، گنبدها و محراب ها، کتیبه نگاری در کتاب آرایی و فن جلدسازی نیز متداول بوده است. کتیبه ها بیشتر به فرم های مستطیل، دایره و مربع بر اساس هنر و خلاقیت خوشنویس طراحی می شوند و در متن آنها نام کتیبه نگار و سال نگارش نیز آورده می شود. نگارش کتیبه های تلفیقی خوشنویسی و نقوش هندسی یا نقوش اسلیمی و ختایی و یا تلفیق با هنرهای تذهیب و تشعیر نیز بسیار متداول است. این پژوهش همراه با معرفی انواع کتیبه های خوشنویسی، به این سوال ها پاسخ می گوید که جایگاه کتیبه نگاری در خوشنویسی اسلامی چیست؟ و محتوای کتیبه ها از نظر ادبیات، فرم ها و نقوش بر چه اساسی انتخاب می شوند؟

کلمات کلیدی: کتیبه نگاری، کتیبه نویسی، کتیبه های محراب، خوشنویسی اسلامی.

مقدمه

کتیبه نویسی در میان هنرهای اسلامی و به ویژه خوشنویسی از جایگاه ویژه و ممتازی برخوردار بوده است. اگرچه سنگ نوشته هایی از دوران کهن متعلق به تمدن بین النهرین بدست آمده است اما در دوران اسلامی به دو دلیل کتیبه نگاری رشد و توسعه چشمگیری پیدا کرد. نخست اینکه خط در میان مسلمانان برای بیان آیات قرآن، احادیث، ادعیه و روایات رواج یافت و دیگر اینکه برای بکار بردن نقاشی در تزئین اماکن مذهبی محدودیت هایی بوجود آمد و خوشنویسی جایگزین آن شد. در واقع به مرور در دوران اسلامی خوشنویسی همان نقشی را بر عهده گرفت که تا قبل از آن نقاشی در ادیان گذشته داشت. بنابراین بر اساس نیازی که وجود داشت حرکت های خلاقانه هنرمندان خوشنویس و گاه تلفیق خوشنویسی با هنرهای دیگری چون تذهیب، تشعیر و آمیختن حروف و کلمات و جملات با ختایی ها و اسلیمی ها در بستر رنگ های زیبا، کتیبه نویسی یا کتیبه نگاری رواج یافت و بر اساس این رویکرد بسیاری از اماکن مذهبی، محراب ها و ... به زیور کتیبه های بی نظیر آراسته شدند.

بیان مساله

۱-۱- کتابت

«در لغت به معنی گرد آوردن و جمع کردن است و از آن جهت خط و نوشتن را کتابت گفته اند که حروف و کلمات را در سطری یا صفحه ای گرد می آورند. کتابت صنعتی است روحانی که نویسنده الفاظ و حروف را در تخیل خود مجسم کرده به نیروی نفسانی و عقلانی پیوستن حروف و کلمات را تصویر می کند و با آلت جسمانی ظاهر می شود. یعنی به وسیله قلم بر صفحات نقش می بندد و آنگاه به واسطه نظم و ترتیبی که آن حروف و کلمات پیدا کرده اند دلالت بر مراد و مقصود می کند».[1]

۱-۲- کتیبه

«سنگ نبشته، سنگ نوشته- کتیبه به تخته سنگ، کاشیکاری یا سطح دیگری گفته می شود که معمولاً واقعه ای تاریخی بر روی آن کنده کاری یا نوشته شده باشد. کتیبه را تذکره نامه ها در سیاق فارسی کتابه هم گفته اند و آن عبارت است از حروف درشت و جلی که از روی کاغذ و از دست کاتب به صفحات کاشی منتقل و سردرها و دیوار و محراب های مساجد و مکان های مقدس و بناهای مهم دیگر قرار گرفته و می گیرد و یا به درها و ضرایح مکان های متبرکه بر روی مینا و قطعات چوب و فلز نقش بسته و نصب شده است».[1]

کتیبه به نوشته ای اطلاق می گردد که در در حاشیه سردر ساختمان ها، دیوار مساجد، مقبره ها، بقاع، گوشه های پارچه ای که سفره، بیرق، جامه، جامه ای خانه ی کعبه، زین پوش اسب، پوشش تکیه ها، اماکن متبرکه، صفحه های کتاب و غیره نگارش می یابد. «کتیبه حتی در معنی لشکر، گروه اسبان و اجتماع اسب داران نیز به کار رفته است. جمع آن کتائب است. بعضی می گویند این واژه صورت دگرگون شده ی کتابه است».

۱-۳- قدمت تاریخی کتیبه ها

«به نظر می رسد سنگ نبشته های (کتیبه های) یافت شده در مصر و بین النهرین و مواردی مانند آن به هزاره چهارم پیش از میلاد برمی گردد. این کتیبه ها بیشتر فرمان شاهان و فرمانروایان و توصیف وقایع و تاریخ جنگ ها بوده اند».[2]

«در شهرهای مهم کشور ایران کتیبه هایی از زمان سلجوقیان و تیموریان مخصوصاً از سلسله ی صفوی به جای مانده است. از مقایسه ی کتیبه ی هر دوره با دوره ی بعد از خود معلوم می گردد کتیبه نویسی عصر صفوی بر دوران های پیشین برتری دارد و ترقی این هنر مشهود است. این کتیبه ها در واقع نمونه های کامل و سرمشق های عالی و ممتاز برای کتیبه نگاران دوره های بعد شده است که تا امروز از آنها پیروی می شود».[1] «کتیبه ها منابع خوبی برای مطالعه ی چگونگی گسترش خط عربی هستند. در زمانهای قدیم سنگ قبرهای دارای کتیبه و ابنیه های دارای کتیبه پر اهمیت ترین و جالب ترین نمونه های درخور بررسی بوده اند. همچنین کتیبه های حک شده بر روی فلزات و شیشه بافته شده و یا گلدوزی شده بر روی ابریشم و یا به صورت نقاشی برآموزائیک جهت بررسی مراحل توسعه خوشنویسی اسلامی به کار می آیند.

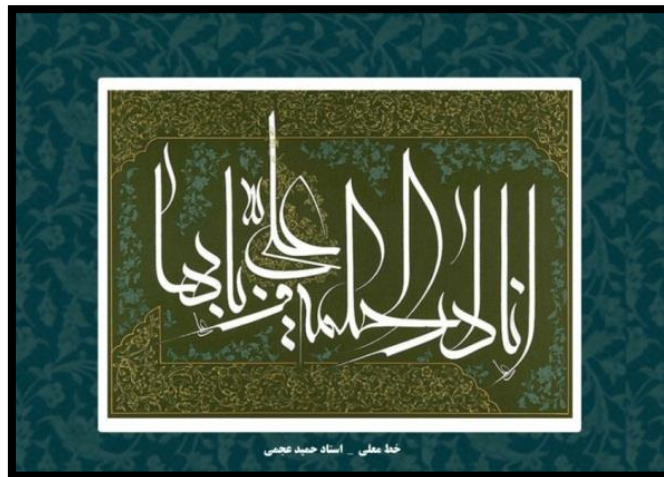
اما در دوران اسلامی به علت اهمیت هنر خوشنویسی از یک سو و تحریم هنر نقاشی از سوی دیگر کتیبه ها بیش از پیش اهمیت پیدا کرد. و به عنوان یکی از مهمترین و زیباترین تزئینات معماری اسلامی بخصوص در تزئین ابنیه ی مذهبی به کار گرفته شد. کتیبه ها از پر محتوای ترین تزئینات معماری اسلامی هستند که علاوه بر نقش تزئینی دارای جنبه ی معنوی و کاربردی نیز می باشند».[3]

بحث و بررسی

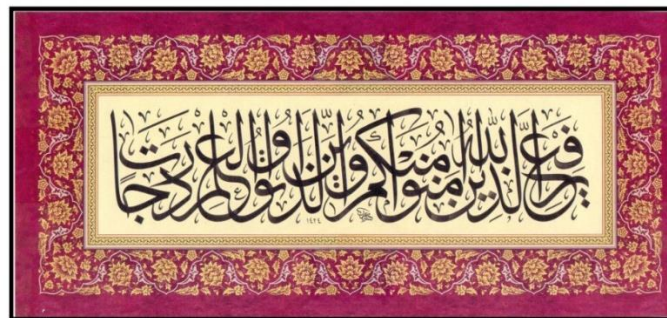
۱-۲- انواع کتیبه‌ها

«کتیبه‌ها را از لحاظ داشتن معناهای مذهبی به سه قسمت می‌توان تقسیم کرد:

- کتیبه‌های قرآنی
- گروه احادیث قدسی و نبوی
- دعاها» [3] (تصاویر ۱-۱ و ۲-۱)



تصویر ۱-۱- نمونه کتیبه خوشنویسی معلی، اثر حمید عجمی



تصویر ۱-۲- نمونه کتیبه خوشنویسی ثلث، اثر محمد عثمان

«کتیبه‌ها انواع و کاربرد دیگری نیز دارند و در ذخیره سازی اطلاعات و انتقال افکار، اندیشه‌ها و تمدن بشری از نسل‌های گذشته به نسل حاضر نقش بسزا داشته‌اند. در هنر نسخه آرایی کتیبه شکل مستطیل گونه‌ای است که گاه در دو سوی آن دایره‌ها و ربع دوایر کوچک کشیده باشند. مذهب‌ها از کتیبه‌ها در سردر سوره‌ها برای قرآن‌ها و سرفصل‌ها جهت دواوین [=دیوان‌های] اشعار و دیگر مکتوبات استفاده می‌کردند.

جلدسازان نیز در چهار طرف حواشی جلد نزدیک به لبه‌ها از آن بهره می‌بردند. این گونه کتیبه‌ها گاهی مستطیلی مذهب مرصع است و گاهی مستطیلی است که دو سوی آن یا اطراف همه‌ی اضلاع به صورت مدور و نیم دایره طراحی شده که به آن کتیبه ی قلمدانی می‌گویند.

کتیبه‌های بسیار ظریف و باریک که کتیبه‌های مرصع و مذهب آغاز سرفصل‌ها به نام کتیبه‌ی بازوبندی معروف هستند. در نسخه آرایی بیشتر کتیبه را در قسمت پایین ترسیم می‌کنند. به صورتی که قسمت‌های پایین سرلوح با بخش فوقانی کتیبه به یکدیگر متصل گردد. شکل مرکب از کتیبه و سرلوح را به اصطلاح سرلوحه ی کتیبه‌دار می‌نامند. تکامل قواعد هندسی در زیبایی کتیبه‌ها اعجاب‌آور شد و این رشد و تحول در کتیبه‌ها و کتب خطی نمایان گشت. [4]

۲-۲- خط کتیبه‌ها

«معمول آن است که کتیبه‌ها را به انواع گوناگون و به ویژه خط کوفی، ثلث، نسخ، نستعلیق و طغری یا به اندازه‌ی جلی می‌نویسند. گرچه حکمی کلی نیست و مواردی با اقلام کوچکتر نیز دیده شده‌اند. نخستین خط در کتیبه‌ها کوفی بوده است و آنگاه ثلث و با اینکه از قبل از صفویه ثلث‌های عالی در اصفهان داریم. بهار خوشنویسی این خط صمیم دولت صفویان بوده است.» [2]

«از میان خطوط اسلامی خط ثلث به سبب دور و تموجی که دارد و نیز به جهت حرکات نرم قلم، درشتی و برجستگی حروف و

قابلیت تزئینات و نقش‌ونگار در کتیبه‌نویسی بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است.» [4]

«کتیبه‌های کوفی، ثلث، محقق، نستعلیق را از دیر زمان تا کنون در بناهای باستانی می‌نگریم و این فن در عصر ما در ممالک اسلامی رایج و متداول است. خط ثلث در کار کتیبه از زمانهای قدیم تا کنون بیشتر رواج داشته است و این بدان جهت است که خط ثلث با کاشیکاری و طرح‌های نقاشی و رنگ‌ها هماهنگی خاصی پیدا می‌کند که خطوط دیگر به پای آن نمی‌رسد. و چون خط ثلث درشت اندام و با حرکات گرم گوناگون از فاصله‌ای دور چشم گیرند و با شکوه تر است، اغلب کتیبه‌ها با این خط نوشته و دیده می‌شود.» [1]

«یکی از دلایل استفاده از خط ثلث در کتیبه‌نگاری آن است که مراجع تقلید در این زمینه معتقدند خود کتیبه در اطراف محراب و جلوی شخص نمازگزار باعث از بین رفتن تمرکز حواس او می‌شود و به این جهت، خط ثلث با توجه به ویژگی‌های ترکیبی آن که ناخواناست، این حالت را از بین می‌برد و چون شخص به راحتی نمی‌تواند آن را بخواند و فقط بعنوان یک تصویر معنوی باعث ایجاد حالت روحانی در او می‌شود این مشکل نیز حل شده است.» [5]

استفاده از خط ثلث برای کتیبه‌نویسی که در اواخر دوره‌ی سلجوقی آغاز و به خصوص در دوره‌ی تیموری رواج یافته بود در دوره‌ی صفوی به اوج خود رسید و ما شاهد استفاده از آن در اکثر کتیبه‌های این دوره هستیم. استادان کتیبه‌نویس، کتیبه‌های مهم و اصلی آیات و سوره‌های قرآنی، احادیث و حتی کتیبه‌های مربوط به مرمت بناها را با استفاده از این خط می‌نوشتند. اگرچه در کنار استفاده از این خط استفاده از خطوط دیگر هم رایج بود. علاوه بر خط ثلث برجسته و درشت کتیبه‌ها روش و سبکی در خوشنویسی که اصطلاحاً مغربی نامیده می‌شود در خطوطی که از خط کوفی نشأت گرفته استفاده می‌شود.» [3]

۲-۳- ادبیات کتیبه‌ها

«از زمان‌های قدیم نوشته‌های خطی تنها وسیله‌ی تزئینی شمرده می‌شد و از تصاویر خبری نبود و از آنها به عنوان منبع تاریخی قدیمی استفاده می‌گردید. با آمدن اسلام، قرآن که حامل سخنان خداوندی می‌باشد به عنوان موضوعی ارزشمند و با مفاهیم عالی به استخدام هنرمندان خطاط و کتیبه نگار درآمد. و هنرمندان با استفاده از هنر خط به تزئین مکان‌های مقدسی چون مسجد، امامزاده، خانقاه و مدارس مذهبی پرداختند.

متن عبارات کتیبه‌ها معمولاً اسماً مبارک حق تعالی، آیات و سوره‌های قرآن، نامه‌های مبارک حضرت رسول (ص) و ائمه‌ی طاهرین، دعاها، مناجات، شعارهای مذهبی، نام سفارش دهنده‌ی اثر، نام حاکم یا سلطان وقت، نام سازنده‌ی اثر، نام کاتب و خطاط، تاریخ ساخت اثر، اشعار فارسی و عربی، گفته‌های بزرگان و حکیمان، فرامین پادشاهان و عهدنامه‌ها و پند و اندرز را شامل می‌گردد.» [6]

«متن کتیبه‌ها در انواع شیوه‌های نثر، نظم و یا نظم و نثر، و با نگارش‌های فارسی و عربی دیده می‌شود، بر گرفته از متون مختلف نظم و نثر و یا حاصل تراوشات فکری افراد مختلفی همچون علما، فضلا و شاعران و از لحاظ محتوایی هم زمینه‌های فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، سیاسی، دینی و مذهبی، متن کتیبه‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌اند. [6]

«کتیبه‌های آجری موجود در مناطق شرقی جهان اسلام و سنگ‌های حجاری شده در کشورهای آناتولی و هند از نمونه‌هایی هستند که می‌توان از آنها نام برد. اگر کلمه‌ی بسم الله معیار یا کلیدی را به منظور رمزگشایی این کتیبه‌ها از طریق مقایسه‌ی دقیق اشکال حروف عرضه نمی‌کرد، خواندن این کتیبه‌های گره‌دار بسیار دشوار می‌شد.» [3]

«علاوه بر کتیبه‌های کاشیکاری شده، احادیث و آیات بر محراب مسجدها گچبری می‌شوند. تا هر بیننده‌ای میزبان زیبایی خط و ظرافت گچبری و کلام حق و دعوت بر معنویت باشد.» [7]

یک نکته در رابطه با محتوای کتیبه‌ها، بخصوص کتیبه‌های خط ثلث باید ذکر شود و آنهم اینکه غالباً کتیبه‌ها دارای ترکیب‌های پیچیده‌ای هستند و احتمال دارد عامه مردم به راحتی نتوانند آن‌ها را بخوانند. ولی در برخورد اولیه با آن تصویر درگیر با یک حالت معنوی و روحانی می‌شوند و شاید فلسفه اصلی استفاده از کتیبه‌نگاری در مساجد و زیارتگاه‌ها همین امر باشد.

۴-۲- تزئینات کتیبه‌ای

«کتیبه‌ها از ممزوج شدن و در کنار هم قرار گرفتن خط و نقش به دست می‌آیند. همچنین کتیبه‌ها برحسب زمان و مکان و موقعیت‌شان با مواد و مصالح متفاوتی کار می‌شده‌اند که به عنوان نمونه می‌توان از کتیبه‌های سرتاسری به صورت خوشنویسی، کتیبه‌های قاب‌بندی شده، کتیبه‌های تلفیقی با نقوش اسلیمی و کتیبه‌های تلفیقی با نقوش هندسی، کتیبه‌های کوچک آجری در قالب شکل و خط، کتیبه‌های دور تا دور محراب، کتیبه‌های دور تا دور طوق گنبد و شبستان، کتیبه‌های ساده‌ی ایجاد شده با سطوح آجری یا کاشی نام برد». [8]

تزئینات کتیبه‌های صفوی را اغلب دوایر اسلیمی با گل و برگ‌های متصل و گل و بوته‌های ساده و اسلیمی در زمینه‌ی خالی کتیبه‌ها به رنگی متمایز از رنگ خط کتیبه‌ها تشکیل می‌دهد.

نکته‌ی مهم در مورد کتیبه نگاری اولیه‌ی کوفی (کتیبه‌های اولیه اسلامی) این است که آنها ضابطه‌مند نگاشته شده‌اند. اما هنرمند به صورت بالقوه کمکی در نوع ادراک و تصوراتش و همچنین اجرا و انجام اشکال تزئینی می‌دهد. [9]

۲-۵- رنگ و زمینه‌ی کتیبه‌ها

«متن کتیبه‌های مورد بررسی اغلب به رنگ سفید بوده و بر روی زمینه‌ی لاجوردی رنگ قرار گرفته‌اند که نمونه‌های فراوان آن را می‌توان در بناهای عهد صفوی در اصفهان نیز ملاحظه کرد. بجز رنگ سفید از رنگ زرد هم استفاده شده بود. همچنین از رنگ مشکی نیز برای نوشتن خط نستعلیق و کتیبه‌های سنگی استفاده شده بود. علاوه بر این رنگ‌ها، رنگ طلایی هم کاربرد داشته است». [10]

«سرامیک‌های سفید متعلق به شرق جهان اسلام همانند نیشابور حتی سمرقند قرن دهم و چهارم دربرگیرنده‌ی نوشته‌ی زیبایی به خط کوفی‌اند که شبیه قرآن‌های ایرانی آن دوره هستند و بعضی اوقات حروف گره‌دار کامل و زیبایی را نشان می‌دهند. این کتیبه‌ها عمدتاً حاوی دعای خیر برای صاحب آن و گاه ضرب المثل‌هایند. بعدها تنها بر سفالگری ایرانی اواخر قرن ششم و اوایل هفتم رباعی‌ها یا اشعار طولانی ایرانی و حتی اشعار عربی در خط مستدیر و قوسی (انحناء دار) با پیچیدگی بیشتر و ناخوانا تحریر شده‌اند. در تولیدات فلزی هنرمند از امکانات کار گذاشتن بر روی طلا، نقره و برنز برای قراردادن کلمات دعا یا آیات قرآن بر روی پایه یا گردن ظروف استفاده می‌کرد». [3]

«زمینه‌هایی همچون سنگ‌های مختلف، چوب، گچ، کاشی و غیره که حاصل کار معماران کتیبه‌ها همچون کاشی‌کاران، گچ‌بران، دروگران، منبت‌کاران و حجاران که در کار کتیبه‌نگاری کاربرد داشته‌اند. [6]

۲-۶- کتیبه در کتاب‌آرایی

«در هنر کتاب‌آرایی، کتیبه شکل مستطیل‌گونه‌ای است که گاهی در دو سوی آن نیم‌دایره‌ها و ربع دوایر کوچک کشیده باشند. مذهبیان کتیبه را بر سر سوره‌های قرآن و سرفصل‌های کتاب‌ها، و جلدسازان در چهار طرف حواشی جلد نزدیک به لبه‌ها رسم کرده و می‌کنند. این‌گونه کتیبه‌ها گاهی مستطیلی مذهب و مرصع است و گاهی مستطیلی که دو سوی آن یا اطراف همه اضلاع آن به‌صورت مدور و نیم‌دایره طراحی شده‌اند. نوع اخیر را «کتیبه قلمدانی» می‌گویند. کتیبه‌های بسیار ظریف و باریک مذهب مرصع آغاز سرفصل‌ها را «کتیبه بازوبندی» می‌نامند.

در نسخه‌آرایی عموماً کتیبه را در قسمت پایین «سرلوح» ترسیم می‌کنند، به‌صورتی که قسمت‌های پایین سرلوح با بخش فوقانی کتیبه به یکدیگر متصل می‌شود. شکل مرکب از کتیبه و سرلوح را اصطلاحاً «سرلوح کتیبه‌دار» می‌نامند. در متن این‌گونه کتیبه‌ها با انواع خطوط متداول به‌صورت عناوین و سرفصل‌ها می‌نویسند و در تحریر آنها از رنگ‌های طلایی، شنگرف، سفیدآب، و غیره استفاده می‌کنند. هرکدام از این کتیبه‌ها با تلفیق هنرهای دیگر از جمله تذهیب، تشعیر، ترصیع، سرلوح، خوشنویسی، و جز آن تزئین می‌شود». [10]

۲-۷- کتیبه‌نگاران نامی

«حافظ هروی، صحیفی جوهری، نظام اصفهانی، علیرضا عباسی، عبدالباقی تبریزی، محمد صالح اصفهانی، محمد رضا امامی اصفهانی، باقر بناء، محمد حسن امامی، علینقی امامی، عبدالرحیم جزایری بوده‌اند که آثارشان در ایران به تخصیص در اصفهان دیده می‌شود». [1]

«متأسفانه در ثلث و کتیبه نویسی، صاحب نامی که بتوان او را با قهرمانان این فن همچون علیرضا عباسی، باقر بناء، عبدالباقر تبریزی، محمد رضا محمد حسین و علینقی امامی و عبدالرحیم جزایری مقایسه کرد به عرصه نیامد. تنها یک تن را در صدر سلطنت قاجاریه در اصفهان می‌شناسیم که ثلث نویسی را تا حدی به خطوط ناموران دوره‌ی صفوی نزدیک نمود. و او محمد باقر شریف

شیرازی است که آثارش زینت بخش ابنیه‌ی اصفهان (مسجد سید و مسجد حاج محمد جعفر آباده ای و ...) گردیده و بیرون از یک تن راقم سطور خوشنویس دیگری را که آثارش به استادان سلف نزدیک باشد نمی‌شناسد». [5]

۸-۲- ویژگی مشترک کتیبه‌ها

«کتیبه‌ها هنگامی که در نما به عنوان تزئین به کار می‌روند از الگوهای مشترکی پیروی می‌کنند. همچنین جهت نگارش آنها نیز هماهنگی یکسانی را نشان می‌دهد. نام کاتب بعد از واژه‌های "کتبه"، "راقمه"، "حرره" یا "نمقه" در انتهای متن و معمولاً عمود بر جهت نگارش کتیبه می‌آید. معمولاً به ابتدای آیه عبارت "قال الله (سبحانه و تبارک) و تعالی" و به پایان آن صدق الله العظیم (+ و صدق رسولہ النبى الکریم + والحمد لله رب العالمین) افزوده می‌شود. در مورد اشعار اگر نام یا تخلص شاعر در خود متن شعر معمولاً در بیت آخر ذکر نشده باشد ممکن است بعد از عبارات (نظمه) یا (قائله) ذکر شود. نامی که بعد از واژه‌ی عمل می‌آید معمولاً به حجار یا کاشیکار بنا اشاره دارد و نه به کاتب. نام کارفرما نیز پس از عبارت "حسب الامر"، "حسب الفرمایش" یا "به سعی" ذکر می‌گردد. تاریخ نگارش کتیبه پس از واژه‌ی "فی" یا "فی‌السنه" یا "سنه" به حروف عربی نوشته می‌شود». [11]

۹-۲- طریقه‌ی نگارش کتیبه

«معمولاً بنا بر اثر نوشته کتیبه‌ها در جهت طول و به مساحت چندین متر است که برای اطراف در ورودی و یا محراب و دوروبر صحن و یا رواق و حرم و غیره تهیه می‌شود. ولی گاهی تک‌لوحه‌ها و قطعه‌هایی به مناسبت محل نیز به خط ثلث و غیره نوشته و نویسنده که آن هم از اقسام کتیبه بشمار می‌آید و در هر حال و هر قسم خطاط علاوه بر رعایت کامل قواعد باید بر کتیبه نگاری قدرت و تسلط کافی داشته باشد. و آن محصول تمرین و تجربه‌ی زیاد است. و نیز باید بداند که قلم کتیبه از حدود نوشته‌های معمول و متعارف می‌گذرد و تسلطی جداگانه و خاص لازم دارد. کسی در این کار موفق می‌شود که ذوق و سلیقه‌ی بیشتر و صبر و حوصله‌ی وسیع تر به کاربرد تا آن که بتواند تار و پود کتیبه را به نحو احسن به هم بیاورد و هر کلمه و هر شکلی را به جای خود بنشاند و رعایت خلوت و جلوت و سایر جهات زیبایی آن را بنماید و نکات زیر را لحاظ کند:

۱- عبارات یا عبارتی را که باید در زمینه‌ی چندین متری تا در ترنجه‌ها و لوحه‌ها و به اشکال هندسی از مربع‌ها و مستطیل‌ها و دایره‌ها و غیره بنویسد چون محدود و معین است، حساب طول و عرض جا و درشت و ریزی قلم لازم است تا از روی حساب و میزان الگو و مقیاس کوچکتر بدست آورد و با مداد (کور) کمرنگ در متن کتیبه بگنجاند و آنگاه که خاطر جمع شد همان خط مدادی کمرنگ را روشن و قرص و محکم سازد و یا با قلم و مرکب رقیق روی مدادها بنویسد و در این صورت اخیر یعنی نگاشتن با قلم و مرکب اصالت خط و گردش‌های دقیق بهتر ظاهر می‌شود. و سعی کند نهایت سلیقه را در بکار بردن شکل‌های متنوع خط ثلث معمول دارد. مثلاً ملاحظه کند از میان راءها و نون‌ها و هاءات و میم‌ها و غیره کدام در اینجا و کدام در آنجا بهتر می‌نماید چنان کند و عجله و شتاب روا ندارد و در تنگنای گنجاندن از اندازه‌های معمول و صحیح کلمات نکاهد. بلکه با دقت فکر و زبردستی از مضایق آن بیرون آید که یکی از جاهای بروز هنرمندی همین موارد است و گاه لازم می‌شود که حرفی یا کلمه‌ای را مقدم بنگارد تا جای دیگر کلمات قبل از آن معین گردد.

۲- اکثر کتیبه‌ها کلماتش در دو ردیف مرتب می‌شود و گاهی از نظر موقعیت جا و از لحاظ جمله‌ها ناچار در سه ردیف باید قرار دهند که البته کار و زحمت کتیبه دو برابر می‌شود و برای تعیین ردیف‌های منظم خط کشی لازم است و گاه نویسنده بخواهد در وسط کتیبه کمربندی قرار دهد گنجاندن کلمات محتاج دقت بیشتر است و در صورتی کمربند تشکیل می‌شود که یاءهای مفرد و آخر در عبارت وجود داشته باشد تا بتواند با نوشتن معکوس آنها (یاءراجعه) کمربند تشکیل دهد. در این مورد باید اول خط وسط (خط کمربندی) را بشکند و بعد از آن حرف کلمات را در بالا و پایین آن منظم کند و اگر لازم شود که خط کوفی همراه ثلث بنویسد چنانکه در کتیبه‌های مقدمان دیده می‌شود، خط کوفی را به قلم ریزتر بالای ثلث می‌نگارند. بطوری که از لابه لای افراشته‌های ثلث بگذرد و اینگونه کتیبه به اصطلاح کاشیکاران (مادر و بچه) نام دارد.

۳- پس از اینکه کار نوشتن کتیبه به پایان رسید نوبت به طراحی و گردانیدن ختایی در زمینه‌ی خط می‌رسد که آن بر عهده‌ی طراح و نقاش است.

پس از این مرحله کتیبه را بر روی قطعات کاشی نقل می‌دهند و دو نوع معمول است. یکی معرق و یکی به اصطلاح کاشیکاران هفت رنگ. برای هفت رنگ اطراف حرف کتیبه را سوزن کرده و با گرد زغال از روزنه‌ها حدود خط را بر روی خشت‌های کاشی منتقل می‌کنند و آنگاه با رنگ کاشی روی گرده قلم می‌گرداند و اطراف خط را به خوبی مشخص می‌سازند و بعد رنگ‌آمیزی کرده و به کوره می‌برند تا بعداً در محل خود نصب گردد. و طریقه‌ی معرق آن است که اول فتوکپی یا رویه نویسی از کتیبه می‌گیرند و تکه تکه می‌کنند و هر تکه را بر روی تکه‌ای کاشی می‌چسبانند. آنقدر اطراف کاشی را می‌تراشند تا به اندازه‌ی آن حرف و کلمه درآید. پس از آن با شماره گذاری دقیق قسمتی از کتیبه را که تراشیده شده پهلوی هم می‌چینند و از پشت گچ یا سیمان بر آن می‌ریزند تا

تکه‌های ریز به هم پیوسته گردد و وقتی که به همین منوال همه‌ی قسمت‌های کتیبه آماده شد تمامی را به جای خود وا می‌دارند و نصب می‌کنند.

۲-۱۰- وسایل و ابزار لازم برای کتیبه نویسی

میز مخصوص این کار، پرگاری که دو سر آن مداد باشد یا اینکه دو مداد را با رعایت فاصله‌ی مطلوب که ریزی و درشتی خط از آن است به هم ببندند، قلم‌های پارویی و قلم‌های نی کلفت، جوهر یا مرکب کم رنگ، چند خط کش تی و خط کش مدرج و مداد پاک کن [1].

نتیجه گیری

کتیبه‌ها از مهمترین نمادهای خوشنویسی اسلامی به شمار می‌روند. در کتیبه‌ها هنر خوشنویسی اسلامی به اوج کمال خود رسید. خطوط مختلفی چون کوفی، ثلث، نستعلیق و معلی و... برای ساختن کتیبه بکار گرفته شده‌اند. بسیاری از آیات قرآن و احادیث و روایات کتیبه نگاری شده و بر حاشیه محراب‌ها و برای تزئین اماکن مذهبی بکار گرفته شده‌اند. در کتیبه‌ها که به مرور رشد کرده و در دوره صفوی به اوج کمال خود رسیدند، در کنار خوشنویسی عناصر دیگری چون اسلیمی‌ها، ختایی‌ها، تذهیب، نقوش هندسی و... بر بستر رنگ‌هایی چون سفید و لاجورد خودنمایی می‌کنند. با بررسی انجام شده در مورد دو سوال این پژوهش می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد:

۱- کتیبه‌ها پس از آغاز اسلام و با تحریم هنر نقاشی، در اماکن مذهبی و محراب‌ها از مهمترین عناصر تزئینی و تاثیر گذار بشمار می‌روند. و در بین هنرمندان کتیبه نگاری هنری معنوی و مقدس به شمار می‌رود.

۲- محتوای کتیبه‌های اسلامی معمولاً از میان آیات قرآن، روایات، احادیث و اسامی متبرکه انتخاب می‌شود. فرم‌ها بر اساس نظر کتیبه نگار و یا فضاهای موجود در معماریها یا زمینه‌های مورد نظر مشخص می‌شوند. اما کتیبه نگاری در فرم‌های مستطیل، مربع و دایره متداول تر است. همچنین برای زیبایی بیشتر کتیبه‌ها، از ختایی‌ها، اسلیمی‌ها و عناصر هندسی استفاده می‌شود. کتیبه نگار نام خود و سال عمل کتیبه نگاری را در متن کتیبه می‌گنجاند. پس از طراحی اولیه کتیبه‌ها، طرح اصلی به فضای مورد نظر منتقل و سپس اجرا می‌شود. گچ بری‌ها، رنگ‌ها و نقوش مختلف زیبایی کتیبه‌ها را کامل تر و بهتر می‌کنند.

منابع و مراجع

- [1] فضائی، حبیب الله، *تعلیم خط*، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سروش، (۱۳۷۶).
- [2] قدسی، منوچهر، *خوشنویسی در کتیبه های اصفهان*، چاپ اول، اصفهان، انتشارات گلها، (۱۳۷۸).
- [3] ماری شیمل، آنه، *خوشنویسی اسلامی*، شایسته فر، مهناز، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه ی مطالعات هنر اسلامی، (۱۳۸۱).
- [4] خانی پور، رضا، *کتیبه و کتیبه نگاری*، کتاب ماه هنر، بهمن و اسفند. (۱۳۸۳).
- [5] شایسته فر، مهناز، *بررسی محتوایی کتیبه های مذهبی دوران تیموریان و صفویان*، فصل نامه ی علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال دوازدهم، شماره ۴۳، پاییز. (۱۳۸۱).
- [6] سایت تبیان، <http://www.tebyan.net> (۱۳۹۰).
- [7] الماسی، مهدی، *سیری در گلستان خوشنویسی*، چاپ اول، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان، (۱۳۷۷).
- [8] نوروززاده ی چگینی، بهروز، *کتیبه ها و مینو در باب الجنة قزوین*، کتاب ماه هنر، بهمن و اسفند، (۱۳۸۴).
- [9] حمید سفادی، یاسین، *خوشنویسی اسلامی*، شایسته فر، مهناز، تهران، انتشارات آثار هنر اسلامی، (۱۳۸۶).
- [10] شایسته فر، مهناز، *کتیبه های اسلامی*، کتاب ماه هنر، شماره ۳۱-۳۲. (۱۳۸۰).
- [11] بهپور، باوند، *کتیبه نگاری در دوره ی قاجار*، نشریه ی هنرهای زیبا، شماره ۲۲. (۱۳۸۴).